

وقتی ناصرالدین شاه نقاش بود

۲۰ اسفند ۱۳۹۳ ساعت ۱۲:۱۴

یکی از طولانی ترین دوران حکومت پادشاهان قاجار متعلق به ناصرالدین شاه بود چنانکه وی از سال ۱۲۶۴ ق/ ۱۸۴۷ م. پس از مرگ محمدشاه تا سال ۱۳۱۳ ق/ ۱۸۹۵ م. که به وسیله میرزا رضا کرمانی به قتل رسید، یعنی حدود پنجاه سال پادشاهی نمود.

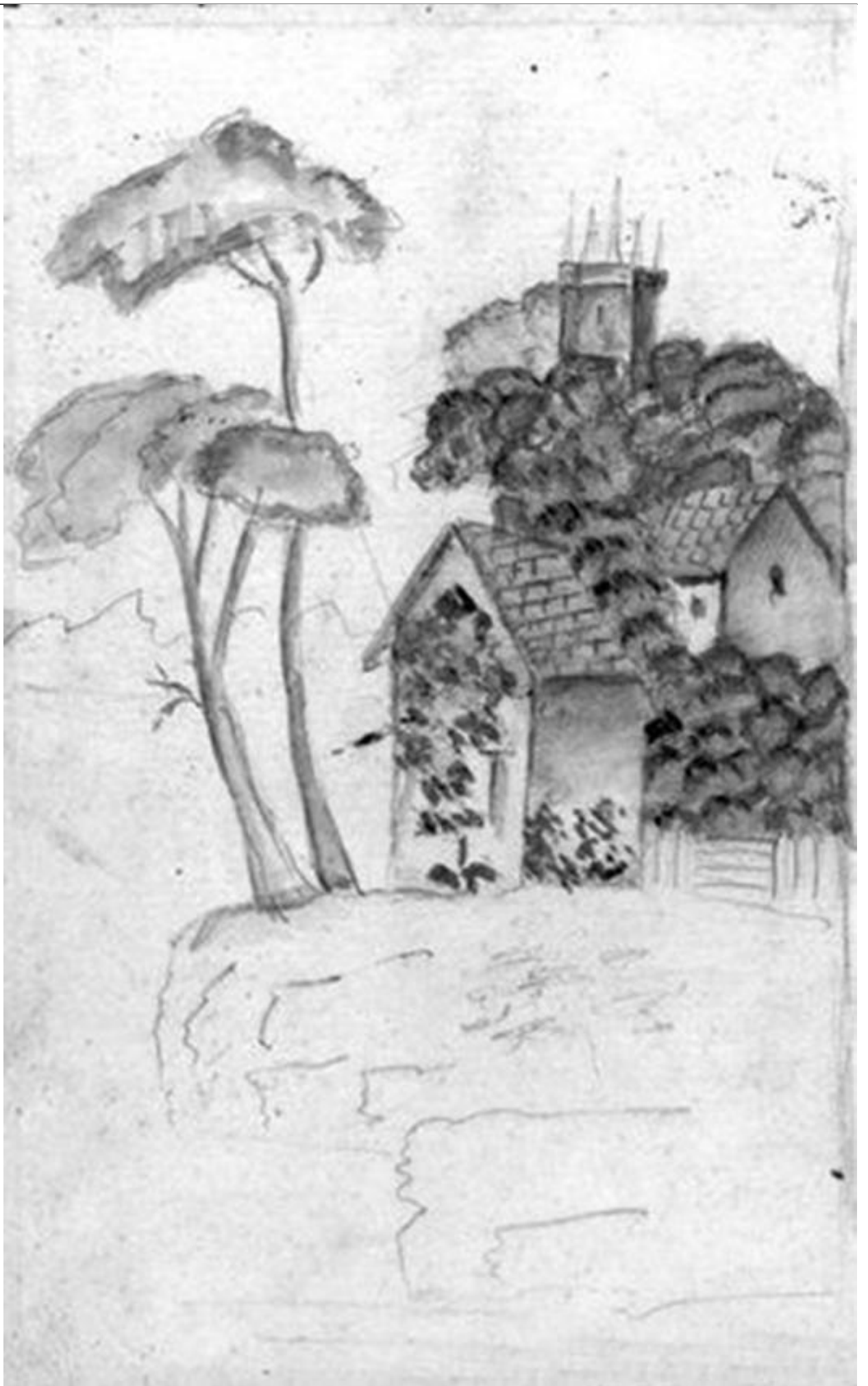
ناصرالدین شاه در پی سرمشقی برای زندگی پر تجمل، پر نزاکت و پر عشرت بود و از این رو نمونه ای بهتر از فتحعلی شاه نیافت. آوازه ی دربار پدر جدش از جهت نمایش خیره کننده ی ثروت و نعمت سلطنتی، حمایت دولت از هنر، بذل و بخشش سرشار و حرم سرای وسیع در همه جا پیچیده و خاطره آن روزها همچنان در اذهان اشراف قاجار زنده بود. به همین جهت پس از تقریباً چهارده سال سلطنت خشک و بی زیور محمدشاه، پسر او همان شکوه و جلال و شیوه ی زندگی فتحعلی شاه را برای خود برگزید.

یکی از هنرهایی که در عصر ناصری به دلیل ارتباط با غرب دچار تحولات گسترده ای گردید، بی شک نقاشی بود، چرا که این امر از سویی در علایق شخصی شاه و از سوی دیگر در روابط گسترده ی فرهنگی ایران با غرب نهفته بود. این گونه به نظر می رسد که ناصرالدین شاه از همان دوران ولایتعهدی به نقاشی علاقه ی فراوانی داشت، چنانکه گاه با مهارتی خاص از روی بعضی از طرح های کلمباری نقاشی می نمود. وی پس از رسیدن به سلطنت نیز به نقاشی می پرداخت، به نحوی که در «یک صبح نیم رنگ بهاری ناصرالدین شاه که تازه به سلطنت رسیده بود، زیر چنار روی چهارپایه کوتاهی نشسته و با قلم آهنی و مرکب سیاه مشغول نقاشی بود. شاه جوان از ده سالگی عاشق هنرهای زیبا شده و به شعر و موسیقی و نقاشی علاقمند و از خدمت چندین استاد استفاده کرده و این ایام نزد میرزا ابوالحسن خان غفاری تعلیم می گرفت. در بیرون اندرون هر وقت که شوق هنرهای زیبا به سرش می افتاد شعر می گفت و نقاشی می کرد. در بیرون صورت وزراء، درباریان و سفرا را می کشید و در اندرون شبیه خانم ها و کنیزان و خواجه سرایان را می ساخت که همه در نهایت شباهت بودند و زیر هر کدام یک جمله مناسب اوضاع و احوال آن شخص و یا شعری یادداشت می کرد. مثلاً زیر صورت میرزا یوسف مستوفی الممالک نوشته بود: درویش است و شاهدباز. زیر صورت سامی افندی سفیر عثمانی نوشته بود: ترک و حدیث دوستی قصه آب و آتش است [...] زیر صورت دلپسند خانم نوشته بود:

یارت آمد ای عاشق، دین و دل مهیا کن
یا به عشوه راضی شو، یا به غمزه سودا کن

زیر هر کدام هم امضا کرده بودند مشقه العبد الفقیر ناصرالدین شاه قاجار».

ناصرالدین شاه علاقه فراوانی به نقاشی داشت و سعی می کرد آنچه می بیند را به تصویر بکشد، مخصوصاً در شبیه سازی دستی توانا داشت ولی گویا چون هنر رنگ آمیزی را به خوبی فرا نگرفته بود، در ترسیم مناظر و اجسام چندان تبحری نداشت. علاوه بر این بنا به گزارش دکتر پولاک گویا ناصرالدین شاه به ترسیم چهره خویش توسط نقاشان درباری نیز علاقه فراوانی داشت: «ناصرالدین شاه، خودش را نقاشی می کند و یک نقاشباشی را که اغلب چهره ی او را می کشد، در خدمت نگاه می دارد. اما چون حوصله ی زیاد نشستن و مدل شدن را ندارد، معمولاً آن قدر صبر می کند، تا نقاش کشیدن سبیل او را به اتمام برساند و بعد خود به تنهایی صورت را کامل کند. همیشه مجسمه نیم تنه ی نیکلای اول را به صورت نیم تنه کپی می کند که مورد توجه خاص او قرار دارد.»









منابع:

- ۱- خان ملک ساسانی، احمد، (بی تا)، دست پنهان سیاست انگلیس در ایران، اسپندار: تهران.
- ۲- بیانی، خانابا، (۱۳۷۵)، پنجاه سال تاریخ ناصری، ج ۱، علم: تهران.
- ۳- پولاک، یاکوب ادوارد، (۱۳۶۱)، سفرنامه پولاک: ایران و ایرانیان، ترجمه کیکاوس جهاننداری، خوارزمی: تهران.
- ۴- تورنتن، لین، (۱۳۷۴)، تصاویری از ایران (سفر کلنل ف. کلمباری به دربار شاه ایران)، ترجمه مینا نوایی، دفتر پژوهش های فرهنگی: تهران.

آدرس مطلب :

[نقاش-شاه-ناصرالدين-وقتيا/29769/news/cafetari.kh.com/www.https://](https://www.cafetari.kh.com/news/29769/نقاش-شاه-ناصرالدين-وقتيا)